

کمدی الهی در ادبیات جهان

نخستین زبانی که کمدی الهی بدان ترجمه شده است اسپانیایی بوده است. از زمان دانته به بعد علاوه بر محققین و دانشمندان که به تفسیر این کتاب پرداختند و علاوه بردانته شناسان که مأموریت یافتند هفته‌ای یک بار کمدی الهی را در کلیساها و مراکز عمومی و میدانها برای مردم معنی کنند نقاشان و مجسمه‌سازان بزرگی نظیر «بوتیچلی» نقاش بزرگ قرن 15 مقارن با دوران رنسانس و «ویلیام بلیک» شاعر و هنرمند بزرگ انگلیسی قرن 18 و نقاشانی چون «دلاکروا» و نقاش و حجار بزرگ قرن 19 فرانسه «گوستاودوره» نیز بی کار ننشسته و آثار بسیار زیادی درباره کمدی الهی خلق کردند حتی در کلیسای جلفای اصفهان هم تابلویی از دوزخ است که به احتمال زیاد از دوزخ دانته الهام گرفته شده است.

تقریباً تمام محققین عالم ادب مغرب زمین دانته را یکی از سه شاعری شمرده‌اند که اعظم شعرای جهان لقب دارند. این سه تن عبارتند از: «همر، دانته و شکسپیر» و بیست سال پیش که مراسم هزاره فردوسی در جهان برپا شد حضار اظهار عقیده کردند که فردوسی نیز یکی از آن جمع است تا این چهار شاعر ارکان اربعه ادب جهان باشند.

از نظر غربیان مقام دانته چنان بلند است که غالباً پایان دوران قرون وسطی را از زمانی می‌دانند که کمدی الهی این شاعر نوشته شده است و این دوره را دوران فروغ رنسانس می‌دانند.

همچنین نظریات جالبی در مورد کمدی الهی از جانب بزرگان ادب جهان وجود دارد که از جمله آن می‌توان به نظر «شاتوبریان» نویسنده بزرگ فرانسوی اشاره کرد که می‌گوید: «از این توده در آمیخته و فشرده استعارات و تمثیلات قرون وسطائی که با

مقیاس ذوق امروزی ما به نظر ثقیل و غیر قابل هضم می‌آید قاعدتاً باید اثری خسته کننده و ملال انگیز پدید آید ولی از همین مجموع با دست دانتِه یکی از بزرگترین شاهکارهای ادبیات جهان پدید آمده است.»

و یا « ادگار کنیه » فیلسوف و مورخ معروف فرانسوی می‌گوید:

« کمدی الهی اودیسه جهان مسیحیت است. سفر نوع انسان است به دیار ابدیت و

راهی است که از آدمی شروع می‌شود و به خداوند پایان می‌یابد.»

زندگی دانتِه

دانتِه آلیگیری در ماه مه سال 1265 در شهر فلورانس به دنیا آمد، دوران کودکی خود را در محیط بسیار آشفته که حاصل جنگهای داخلی بین دو گروه « گوئلفی » (طرفدار پاپ آزادی ایتالیا از نفوذ آلمان بودند که خاندان دانتِه هم از این گروه بودند) و « گیبلینی » (طرفدار امپراطوری مقدس رم و ژرمن بود،) گذراند.

از تحصیلات اولیه او اطلاعات چندانی در دست نیست. ظاهراً وی در دانشگاه « بولونیا » که در آن عصر شهرت خاص داشت و نیز در دارالتعلیم فرقه مذهبی « برادران کهنتر » (برادران روحانی فقیر) در شهر سانتا کروچه تحصیل کرد وی قسمت عمده رشد فکری و فلسفی خود را مرهون دانشمند بزرگی بنام « برونولاتینی » بود.

در دوران کودکی عاشق دختری به نام « بئاتریس » شد و همین دختر راهنمای سفر دانتِه به بهشت بود ده سال بعد وی نخستین نغمه‌های عاشقانه خود را به خاطر این دختر سرود. ولی این عشق تا آخر به صورت افلاطونی باقی ماند. زیرا بئاتریس با مردی دیگر ازدواج کرد و اندکی بعد در سال 1290 در 24 سالگی مرد. این مرگ نابهنگام روح دانتِه

را تکان داد و او را که هنوز شاعری تازه کار بود چنان آماده شاعری کرد که عاقبت بصورت یکی از بزرگترین شاعران تاریخ جهانش درآورد.

در سال 1293 وی شاعر مشهوری شده بود و یکی از رهبران مکتب ادبی به نام «سبک ملایم نو» به شمار می‌رفت این سبک شبیه سبک رمانیتک قرن نوزدهم طرفدار بیان احساسات و عواطف قبلی بود.

دانته در سن سی‌سالگی به فعالیت‌های سیاسی پرداخت و به علت مخالفت‌هایی که با پاپ انجام داده بود تبعید و از فلورانس رانده شد و به شهرهای مختلفی سفر کرد ولی آخرین منزل این سفر غربت 20 ساله شهر «راونا» بود و دانته در همین شهر تا سال 1321 اقامت کرد و سرانجام در همین سال در سن 56 سالگی دار فانی را وداع گفت.

آثار دانته

به جزء کمدی الهی که اثر برجسته دانته است و در صفحات بعدی درباره آن توضیح داده خواهد شد وی چندین اثر منظوم و منشور دیگر دارد که بعضی از آنها به لاتین و بعضی دیگر به ایتالیایی نوشته شده که اسامی آنها بدین قرار است:

زندگانی نو، ضیافت، سلطنت، آهنگها

کمدی الهی

کمدی الهی که از بزرگترین آثار دانته و شاهکارهای ایتالیا محصول غربت بیست ساله و دربدری دانته است، خود دانته این کتاب را فقط کمدی نامیده و لقب الهی در حدود سه قرن بعد یعنی در قرن شانزدهم میلادی به آن اضافه شده است. اطلاق کلمه کمدی

بدان معنی که ما امروزه از آن استفاده می‌کنیم نیست خود دانتیه توضیح می‌دهد : «
کمدی یعنی اثری با سبک عامیانه، زیرا کمدی ماجرای است که بد شروع می‌شود و به
حسن عاقبت پایان می‌یابد.»

این مجموعه بطور کلی شامل صد سرود است به طوریکه قسمتهای سه گانه آن یعنی
دوزخ و بهشت به سی و سه سرود تقسیم می‌شود به اضافه سرود اول دوزخ که در
حقیقت مقدمه‌ای بر تمام « کمدی الهی » به شمار می‌رود. هر سرود به بندهای سه
مصراع تقسیم شده و به صورت متفاوت از صد و شصت مصراع را شامل
می‌شود.

دوزخ و بهشت و برزخ هر کدام شامل ده طبقه اند که عبارتند از: طبقات نه گانه جهنم ()
با ضافه طبقه مقدماتی آن)، طبقات هفتگانه برزخ (با ضافه جزیره برزخ، و طبقه
مقدماتی و بهشت زمینی) و طبقات نه گانه بهشت (با ضافه عرض اعلی). بنابراین دانتیه
بطور کلی 30 طبقه را از اول تا به آخر سفر خود طی می‌کند.

اصولاً در سراسر این کتاب دورقم 3 و 10 که اولی مظهر « تثلیث » مسیحی و
دومی مظهر « واحد » مقیاس یعنی وحدت است اهمیت خاص دارد « کتاب به 3 جلد
تقسیم شده و هر جلد 33 سرود دارد و هر سرود به صورت بندهای سه بیتی تدوین شده
است و از آنجا که بئاتریس یعنی مظهر عشق پا به میدان می‌گذارد تا به آخر کتاب 33
سرود فاصله است و سفر آن جهانی دانتیه در عرض ده روز صورت می‌گیرد.

سراسر این مجموعه شرح سفری است که از راهی دراز و پر از موانع و مشکلات وادی گناه شروع می‌شود که در آخر به سرمنزل رستگاری معنوی می‌رسد و در حقیقت جهاد با نفس است.

در کمدی الهی مسافر خطاکار (انسان) این سفر را نخست به راهنمایی عقل (ویرژیل) و بعد به راهنمایی عشق (بئاتریس) انجام می‌دهد. نخستین شرط این سفر اقرار به گناه و توجه به زشتی خطاست در این مرحله که دوزخ کمدی الهی است مسافر از وادی گناه می‌گذرد و به خطای خود پی می‌برد مرحله دوم، مرحله پشیمانی است و توبه و فراموشی گناه و این قسمت برزخ است مرحله سوم، راه سربالایی و سخت ولی خوش سرانجام که رستگاری است و راهنمای بزرگی به نام عشق دارد که این مرحله بهشت است.

قسمت اول سفر دانتته در زیر زمین یعنی در ظلمات است که مربوط به دوزخ می‌باشد. دوزخ دانتته در زیر قشر زمین است و به نقطه مرکزی کره خاک پایان می‌یابد که محل شیطان است.

خصوصیت دوزخ دانتته در این است که در دوزخ او ناامیدی و محرومیت ابدی وجود دارد و تمام گناهان و گناهکاران روی بدین دوزخ دارند و هر چقدر گناهانشان بیشتر باشد در قسمت پایین‌تری قرار می‌گیرند و در آخر هم نوبت به یهودا می‌رسد که در کام شیطان است.

گناهکاران برحسب انواع مختلف گناهی که انجام داده‌اند بدست انواع کیفرها سپرده شده‌اند که سخت‌ترین آنها از نظر دانتته سرمای ابدی ظلمات مطلق است بدین ترتیب از لحاظ طبقه‌بندی کلی دوزخ دانتته با دوزخ ما مسلمانان تفاوت چندانی ندارد، فقط دوزخ

دانته 9 طبقه است ولی دوزخ ما 7 طبقه دارد اما از نظر عذابها و کیفرها تفاوت بارزی مشاهده می‌شود بطوریکه در جهنم ما سختترین وسیله عذاب آتش است ولی در دوزخ دانته آتش جزو سختترین عذابها نیست.

به طور کلی 5 طبقه اول دوزخ دانته « دوزخ علیا » نام دارد و در آن گناهکارانی جای دارند که بار کمتری از خطا را بر دوش دارند که شامل:

طبقه اول، بی تکلیفان، طبقه دوم، شهوترانان، طبقه سوم، شکم‌پرستان، طبقه چهارم، خسیسان و اسرافکاران، طبقه پنجم، تند خویان

از طبقه 6 به بعد « دوزخ سفلی » آغاز می‌شود که شامل گناهانی است که با سوء نیت (با علم به بدی) انجام می‌شود:

طبقه ششم: اهل خشونت و ارباب حيله، طبقه هفتم، راهزنان، شاهان ستمگر، خودکشی کنندگان، کفرگویان. رباخواران .

طبقه هشتم و نهم جزو سختترین طبقات دوزخ است به طوریکه طبقه هشتم مخصوص چاپلوسان ناموس دزدان مال خواران، غیبگویان، جادوگران، رشوه‌خواران، دزدان، جعلان و طبقه نهم مخصوص خائنین به وطن، خائنین به اصل فرزندی و ولینعمتها و خائنین به اصول مهمانداری می‌باشد.

دانته بعد از عبور از این مرحله دوزخ را ترک می‌کند و به همراه ویرژیل به برزخ می‌رود که مرحله بین گناه و طهارت است و در آنجا خود را به آب پشیمانی و توبه می‌شویند.

دانته پس از خروج از دوزخ وارد کوره راهی باریک و دراز می‌شود و عاقبت از آن سوی کوه زمین سردر می‌آورد و آسمان پر ستاره را بالای سر خود می‌بیند و سفر 3 روزه خود را در برزخ شروع می‌کند. دانته برزخ را حدفاصل بین دوزه و بهشت یعنی گناه و رستگاری می‌داند.

کوه برزخ دانته شکل مخروطی دارد که هرچه رو به بالا می‌رود باریکتر می‌شود. این کوه شامل سه قسمت مجزا است که عبارتند از: منطقه مقدماتی، برزخ اصلی، بهشت زمینی.

منطقه مقدماتی شامل قسمت سفلی دامنه کوه است که بسیار سخت و ناهموار است و در اینجا ارواحی کفاره می‌بینند که پیش از مرگ در آخرین لحظات توبه کرده‌اند و از دوزخ نجات یافته‌اند و به موجب قانون «تاوان» که قانون برزخ و دوزخ است باید سی برابر مدتی که با خداوند عناد داشته‌اند در اینجا بی‌تکلیف باقی بمانند تا حق ورود به برزخ اصلی و همچنین کفاره گناهان خود را بدهند.

همچنین در این منطقه، فضای سرسبزی وجود دارد که دره پادشاهان نامیده می‌شود که در آن گناهکاران ممتاز وجود دارند که همر، ارسطو، افلاطون و ابن‌سینا و سایر حکیمان و خردمندان در آنجا جای دارند، بعد از این منطقه برزخ اصلی شروع می‌شود که شامل 7 طبقه است که به وسیله جاده‌هایی که مانند حلقه دور تا دور کوه کنده شده است به هم ربط دارند و در هر طبقه گروهی از ارواح کفاره گناهان خود را می‌دهند. در برزخ دانته برخلاف دوزخش ارواح را به صورت جاودانه باقی نمی‌مانند بلکه پس از طی کفاره خود به قسمت بالاتر می‌روند و جای خود را به دیگران می‌دهند.

هر کدام از این طبقات به وسیله پلکان باریکی به هم مرتبط هستند که در کنار هر کدام از این پلکانها فرشته‌ای به صورت نگهبان وجود دارد.

مدخل اصلی برزخ در کوچکی است که همان بهشت است زیرا در کمدی دانه بهشت در ندارد در صورتیکه مسیحیان به طور واضح به دروازه بهشت که توسط پطروس رسول که از طرف عیسی کلیددار است اشاره شده (انجیل متی). همچنین «در»، برزخ برخلاف دوزخ کوچک است و دلیل اختلاف آن کاملاً روشن است چون در گناه برای آدمی همیشه گشوده است (یعنی آسان می‌توان گناه کرد) اما گذشتن از در رستگاری و صفای روح بسیار مشکل است.

بعد از طی طبقات هفتگانه دانه و ویرژیل وارد بهشت زمینی می‌شوند که در قله کوه برزخ است که همان بهشت معروفی است که آدم و حوا در آن بودند و شیطان آنها را وادار به چیدن میوه درخت ممنوعه کرد. دانه در این بهشت با منظره عبور گردونه‌ای فروزان و زنان و مردان مختلفی مواجه می‌شود (از نظر سمبلیک این قسمت قویترین فصل کمدی الهی است) که بدست شیری بالدار (مظهر مسیح) رانده می‌شود بعد از این صحنه دانه بدست فرشته نگهبان از آب جویبار فراموشی و خاطره می‌نوشد، آنگاه همراه بئاتریس (نیروی عشق و ایمان و خلوص) رهسپار افلاک یا بهشت آسمانی می‌شود.

[کلمه برزخ در آئین مانوی بوده و از طریق آنها به مسیحیان رسیده است، این آئین ترکیبی از اصول ایرانی، هندی و مسیحی است و در آن موضوع تصفیه و تطهیر روح بیش از صعود به بهشت اهمیت دارد. طبق معتقدات این آیین همه ارواح قبل از بازگشت به آسمان که محل اصلی زندگی آنها است باید در ماه توقف کنند و جسم خود را در آب از

آلایشهای مادی و جسمانی پاک کنند و بعد به خورشید بروند و این باروح خود را در آتش پاک کنند و پس از آنکه در این زندگی آسمانی و زمینی توقف کردند و از هرگونه آلودگی پاک شدند به آسمان بروند].

دانته در سال 1300 همراه بئاتریس رهسپار عالم افلاک می شود و در آنجا او افلاک را به 10 طبقه تقسیم کرده است:

1- فلک ماه: جایگاه ارواح پارسایی است که آنچنانکه باید از خودشان ثابت قدمی نشان داده اند.

2- فلک عطارد: ارواح کوشا که به راهنمایی ایمان به دنبال کسب افتخار رفتند و کارهای بزرگ کردند.

3- فلک زهره: ارواح عاشقی که به دنبال عشق و لذت طلبی رفته اند.

4- فلک خورشید: ارواح فقهایی قراردادند که نور معرفت را به بشر تابانیده اند.

5- فلک مریخ: مظهر جنگاوری و سلحشوری است و در آنجا ارواح کسانی است که در راه ایمان خویش جنگیده و کشته شده اند.

6- فلک مشتری: ستاره عدالت که ارواح شاهان و زمامداران دادگستر در آن است.

7- فلک زحل: مظهر غم و درد است و ارواح کسانی در آن قرارداد که در زندگی گوشه غربت گزیدند و در خاموش و تنهایی به خدا رسیده اند مانند: راهبان و

صومعه داران

8- فلک ثوابت: که جایگاه کلیه ستارگان آسمان است که در اینجا دانته شاهد پیروزی مسیح و بعد شاهد صحنه تقدس مریم بوده است.

9- فلک بلورین (فلک الافلاک): که دانته در این مرحله با فرشتگاه روبه رو می‌شود.

10- عرش اعلی: که در آن اثری از زمان و مکان نیست.

البته لازم به ذکر است که ده قرن پیش از دانته شرح سفر یک انسان به دنیای ارواح در ارادیرافنامه که از آثار معروف زرتشت است آمده، ارادیراف یک مصلح زرتشتی است که به دنیای ارواح می‌رود تا در آنجا حقیقت را ببیند و خبر آن را به خاکنشینان برساند. در میان همه آثار ادبی و مذهبی شرق و غرب هیچ اثری را نمی‌توان یافت که به اندازه ارادیرافنامه زرتشتی که در حدود هزار سال پیش از دانته نوشته شده است با کمندی الهی نزدیک باشد.

همچنین به جز ارادیرافنامه از یک مجموعه فارسی یعنی سیرالعباد الی المعاد سنائی غزنوی در قرن 6 هجری قمری نیز باید یاد کرد که مقدم بر کمندی الهی است در این مجموعه سنائی همراه با پیری پا به دیار ارواح می‌گذارد و در آنجا با مظاهر مختلف گناه و گناهکاری آشنا می‌شود.

همچنین گفته می‌شود در زمان دانته نسخه لاتین داستان معراج حضرت محمد (ص) وجود داشته و به احتمال قوی وی از این نوشته بی‌اطلاع نبوده است.

در آخر باید گفت در زمانیکه کمندی الهی نوشته می‌شد دانشگاه‌های اروپا بیش از هر چیز سرگرم بحث و گفتگو درباره فلسفه و الهیات بودند. از لحاظ دانته این کتاب وسیله‌ای عالی برای بحث درباره این مسائل بود، ولی در ضمن این بحث‌ها دانته نظر اصلی خود را که تخطئه این اعتقاد کامل به فلسفه و منطق است اعمال کرده، یعنی گفته است که با منطق و فلسفه بی‌کمک روح و دل یعنی بدون مشکل‌گشایی آسمانی عشق و

محبت، قادر به حل مشکلات نمی‌توانند شد و به طور خلاصه معمای زندگی را تنها با استدلال و منطق نمی‌توان حل کرد، و این نتیجه اصلی و کلی «کمدی الهی» همان گفته خواجه حافظ شیرازی است که می‌گویند:

عاقلان نقطه پرگار وجودند، ولی

عشق داند که در این دایره سرگردانند!

امیدوارم این گزارش مختصر مورد توجه شما استاد گرامی قرار گرفته باشد.

دی ماه 82

چنین اثری شاید اگر به دست شعرای عادی و در سرزمینی عادی پدید می‌آمد و فقط جنبه ملی و زمانی محدود این کتاب را داشت خیلی زود فراموش می‌شد. ولی وقتیکه گوینده آن شاعری چون دانته باشد، شعرا و الی‌الابد زنده می‌ماند. دانته یک خلاق بزرگ سخن، یک زبان آفرین تواناست که گویی شعر او به جای اینکه نوشته شده باشد با دست این میکلا آنتونیایی نظم جاری شده است.

لامارتین

(شاعر و نویسنده بزرگ فرانسوی 1790-1869)



ProjectCenter

www.ProjectCenter.ir

📷 | @projehcenter

📍 | @projehcenter_ir